

تحولات کیفری در قانون میهن پرستی آمریکا

فرید محسنی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۰۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۱/۰۲)

چکیده

قانون میهن پرستی آمریکا، که با هدف ایجاد تغییرات بنیادین در جهت نظارت، مبارزه با تروریسم و برقراری امنیت، طرح ریزی و تصویب شده بود، موجب بروز نگرانیهای جدی در زمینه آزادیهای مدنی، به دلیل افراط در بکارگیری نظارت، جستجوی سوابق و داده ها و بکارگیری آنها گشت. صرفنظر از علت و منشأ تصویب این قانون ظرف چند هفته پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، در عمل موجب افزایش چشمگیر اختیارات و قدرت دولت، در راستای انجام تحقیقات ضد تروریسم شد. تدوین و اجرای قانون میهن پرستی، موجی از نقدهای موافق و مخالف را در این زمینه به دنبال داشت و چالشهای حقوقی و اجتماعی بسیاری را فراروی مردم و مسئولین قرار داد. موضوع نوشتار حاضر، پس از مروری کوتاه بر تاریخچه و فصول کلی آن، بررسی تغییرات ایجاد شده در قوانین ایالات متحده آمریکا به واسطه تصویب و اجرای قانون مذکور و در نهایت جمع بندی نکات مثبت و منفی آن می باشد. بررسی این تغییرات از آن جهت حائز اهمیت است که در پاره ای از موارد عدول از مبانی نظری و تئوریهایی حقوق جزا به شمار می آید و هر یک قابلیت بحث تحلیلی دیگری را دارد.

واژگان کلیدی: قانون میهن پرستی آمریکا، مبارزه با تروریسم، نظارت، جستجوی سوابق، آزادیهای مدنی.

مقدمه

«آنان که قادرند از آزادی اساسی خود، برای دستیابی به اندکی امنیت گذرا دست بردارند، استحقاق هیچیک را ندارند». «بنجامین فرانکلین»

قانون میهن پرستی ایالات متحده امریکا (USA Patriot Act)، که معمولاً با عنوان «قانون میهن پرستی» شناخته می شود، یکی از مصوبات کنگره ایالات متحده آمریکاست که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ظرف ۴۵ روز از این حادثه، با امضاء جرج بوش، در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱، به قانون تبدیل شد و تدابیر امنیتی شدیدی را پیش بینی نمود که بر اساس آن، پلیس اختیار یافت بدون مجوز قضائی به اقداماتی گسترده مانند شنود تماسهای تلفنی، کنترل ایمیلها، انواع تفتیش و بازرسی و یا دعوت مهاجرین یا افراد مشکوک، به مصاحبه اقدام نماید.

عنوان ده حرفی این قانون، ترکیبی از حروف اول متحد کردن (و) تقویت امریکا (از طریق) ایجاد ابزارهای لازم (برای) جلوگیری از تروریسم است (and) Uniting Strengthening America (by) Providing Appropriate Tools Required (to) Intercept Obstruct Terrorism (and). این قانون، در واکنش به حملات تروریستی یازده سپتامبر تدوین گردید و امکان جمع آوری اطلاعات توسط سازمانهای مجری قانون در ایالات متحده آمریکا را به نحو چشمگیری افزایش داد. علاوه براین، وزارت خزانه داری آمریکا، برای تنظیم انواع معاملات خارجی، از اختیارات گسترده ای برخوردار شد و حدود صلاحیت و اختیارات مقامات مجری قانون و مهاجرت، در توقیف و اخراج مهاجرین مشکوک به ارتباط با فعالیتهای تروریستی، از ابعاد جدیدی برخوردار گشت.

موضوع نوشتار حاضر، نگاهی کوتاه به زمینه پدیداری و تصویب قانون میهن پرستی آمریکا، مقررات آن و چالشهای حقوقی ناشی از بکارگیری این مقررات می باشد که عملاً تحولات بزرگی در مبانی و مقررات کیفری آن کشور پدید آورده است. مسلماً هر قانونی بر پایه اصول و دیدگاههای نظری خاصی استوار است و به همین ترتیب تحولات آن نیز مبتنی بر تئوری های دیگری خواهد بود. یکی از ابعاد حائز اهمیت در مورد این قانون نیز،

تحولات نظری در زمینه دیدگاههای حقوقی مرتبط با حقوق جزا است که موجب پدیداری مباحثات علمی زیادی بین حقوقدانان بویژه آمریکائی گردیده است. البته همانطور که می دانیم اینگونه مباحثات نظری محدود به مرزهای جغرافیایی نمی گردد و بطور طبیعی بر دیدگاه های نظری برخی کشورها و در نتیجه قوانین آنها تأثیر می گذارد. در نتیجه آشنائی و مطالعه پیرامون آن می تواند بحثهای تحلیلی و عمیق دیگری را در پی داشته باشد.

الف- تاریخچه قانون میهن پرستی

بررسی تاریخچه قانون میهن پرستی آمریکا، مستلزم اشاره ای مختصر به عملیات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱، به عنوان زمینه اصلی شکل گیری آن می باشد. عملیات یازده سپتامبر، عبارت است از سلسله ای از حملات انتحاری که به دست گروه تروریستی القاعده، در خاک ایالات متحده آمریکا به وقوع پیوست. در طی این عملیات، ۱۹ تن از اعضاء القاعده، چهار هواپیمای تجاری و مسافری را ربوده و دو هواپیما را در فاصله های زمانی گوناگون، به برجهای دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک زدند که منجر به کشته شدن تمامی سرنشینان هواپیماها، ویرانی برجهای دوقلو و ورود آسیبهای فراوان به ساختمانهای مجاور و کشته شدن شمار زیادی از افراد حاضر در محل گردید. هواپیمای سوم به پنتاگون در ایالت ویرجینیا اصابت نمود و هواپیمای چهارم که قرار بود در واشنگتن دی.سی. سقوط کند، هنگامی که سرنشینان هواپیما، قصد به دست گرفتن کنترل آن را داشتند، در زمینی در پنسیلوانیا سرنگون شد. هیچ یک از مسافران این دو پرواز نیز زنده نماندند. تعداد کشته شدگان حملات فوق، با در نظر گرفتن هواپیما ربایان، به ۲۹۳۳ تن رسید که بیشتر آنان، مردم و شهروندان عادی و از ۹۰ ملیت مختلف از سراسر جهان بودند و بسیاری دیگر نیز مجروح گشتند. علاوه بر این، حملات مذکور، موجب ورود صدمات و خسارات اقتصادی بسیار گسترده در ابعاد گوناگون کسب و کار و

تجارت گردید که مؤسسات بیمه و شرکتهای هواپیمایی، از جمله شاخص ترین این زیان دیدگانند (Standler, 2008, p.4).

در مورد علت طراحی حادثه مذکور تحلیلهای سیاسی کاملاً متفاوتی وجود دارد. براساس مطالب اعلام شده توسط ایالات متحده امریکا، این حملات توسط گروه القاعده و با پشتیبانی طالبان انجام شده است. ولی براساس تحلیل دیگر، اقدامات مذکور توسط امریکا طراحی و گروههای مذکور مجریان آن بوده اند تا اهداف از پیش تعیین شده حاصل شود. به هر حال حادثه مذکور از جهات مختلف تبعات زیادی را در پی داشت و بحث های فراوانی را در محافل گوناگون علمی و سیاسی پدید آورد. تحلیل وقایع مذکور خارج از موضوع این نوشتار است، بنابراین صرفاً نتایج و آثار حقوقی آن مد نظر می باشد. برای توجه به اهمیت مباحث حقوقی در این زمینه باید متذکر شد که در عمل، واکنش بارز ایالات متحده به این حملات، با اعلام جنگ به تروریسم توسط جرج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا و سپس حمله به افغانستان، برکنار کردن طالبان از قدرت، که تروریستهای القاعده را پناه داده از آنان پشتیبانی می کرد و نیز تصویب قانون میهن پرستی آمریکا آغاز شد. متعاقب آن، کشورهای بسیاری قوانین ضد تروریست خود را مورد بازبینی قرار داده و زمینه اجرای گسترده تر آن را فراهم نمودند (Ibid). لذا اگر آنچه در قوانین این قبیل کشورها را انقلاب بزرگ حقوقی در عصر حاضر نام گذاری نکنیم، مسلماً بزرگترین واقعه و تحول حقوقی در دهه مذکور می باشد که دامنه آن کشورهای متعددی را در بر گرفت.

حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، بزرگترین عملیات تروریستی ایالات متحده آمریکا به شمار می آید و پیامدهای منفی بسیاری در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، برای این کشور و جامعه جهانی به دنبال داشته است. درجه تأثیرگذاری واقعه مذکور بر تاریخ ایالات متحده امریکا، با حمله ژاپن به بندر پرل هاربر (Pearl Harbor)، مقایسه شده است (Ibid).

مدت کوتاهی پس از تصویب این قانون، ۱۲۰۰ نفر، به عنوان بخشی از تحقیقات پس از یازده سپتامبر، به طور مخفیانه دستگیر شده و اسامی، اطلاعات شخصی، کشور مبدأ، محل کار و زندگی، محل تقریبی دستگیری شان، همگی به اطلاعات طبقه بندی شده (Classified Information) تبدیل شد (Cornehis, 2003, p.2). مساجد و مؤسسات خیریه مسلمانان، توسط FBI مورد بازرسی قرار گرفت و ملزم به ارائه فهرست اعضاء خود و خیرین گردیدند. داراییهای بسیاری از نهادهای مذکور، توسط وزارت خزانه داری، به دلیل مشکوک بودن به انتقال پول به سازمانهای تروریستی، توقیف شد (Ibid).

اقدامات مذکور، موجب اعتراضات گسترده فعالان حقوق بشر، آزادیهای مدنی (Civil Liberties) و سازمانهای بین المللی این حوزه، مانند دیده بان حقوق بشر (Human Rights Watch)، سازمان عفو بین الملل (Amnesty International)، اتحادیه ای آزادیهای مدنی آمریکا (The American Civil Liberties Union) ... گردید (Ibid). حدود ۷۰۰ تن از زندانیان جنگ افغانستان، به اردوگاههای ساخته شده در پایگاههای ارتش در خلیج گوآنتانامو (Guantanamo) در کوبا، منتقل شدند. افراد مذکور دارای چهل تابعیت مختلف بوده و به ۱۷ زبان گوناگون تکلم می کردند. دولت آمریکا اعلام نمود که آنها اسیر جنگی (Prisoners of War) نبوده بلکه دشمن متخاصم تلقی شده و در نتیجه مستحق برخورداری از بازجویی (Interrogation) تضمین شده در کنوانسیون ژنو نمی باشند. به همین دلیل، تا ۱۶ ساعت در شبانه روز، مورد بازجویی قرار گرفته و از آنجایی که در خاک ایالات متحده قرار نداشتند، مستحق برخورداری از حمایتهایی مانند حق مشاوره (Right to Counsel)، اصل برائت (Presumption of Innocence)، محاکمه توسط هیأت منصفه (Trial by a Jury) و بسیاری دیگر از حقوق انسانی نبودند. اتهام هیچ یک از آنان مشخص نشد و قرار بود در دادگاه نظامی محاکمه شوند (Ibid). بر اساس مقررات ناظر بر مهاجرت، که از دسامبر ۲۰۰۲ به اجرا درآمد، مردان و پسران مسلمان بالاتر از ۱۶ سال اهل کشورهای عربی و جنوب آسیا، ملزم به ثبت نام و ارائه کلیه اطلاعات شخصی خود شده و حدود ۱۳ هزار نفر

آنان، نه به دلیل اتهامات مرتبط با تروریسم، بلکه برای مدت کم اعتبار ویزا، در فهرست اخراجیها قرار گرفتند (Ibid).

آنچه گفته شد، تنها مواردی از نقض ابعاد مختلف حقوق و آزادیهای فردی و در نتیجه حریم خصوصی افراد، ناشی از اجرای قانون میهن پرستی آمریکاست که تحولات کیفری زیادی را در پی داشته که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

ب- عناوین اصلی قانون میهن پرستی آمریکا

این قانون، در مجلس نمایندگان آمریکا، با ۳۵۷ رأی موافق و ۶۶ رأی مخالف از مجموع ۴۳۵ رأی، و در سنا، با ۹۸ رأی موافق در برابر یک رأی مخالف^۱، به تصویب رسید.

عناوین اصلی این قانون عبارتند از:

عنوان اول- افزایش امنیت داخلی در برابر تروریسم (Enhancing Domestic Security against Terrorism)

عنوان دوم- شیوه های نظارت (Surveillance Procedures)

عنوان سوم- مبارزه با پولشویی برای پیشگیری از تروریسم (Anti-Money-Laundering to Prevent Terrorism)

عنوان چهارم- امنیت مرزی (Border Security)

عنوان پنجم- از میان برداشتن موانع تحقیق در مورد تروریسم (Removing Obstacles to Investigate Terrorism)

عنوان ششم- قربانیان و خانواده های قربانیان تروریسم (Victims and Families of Victims of Terrorism)

عنوان هفتم- افزایش به اشتراک گذاری اطلاعات برای حمایت از زیرساختهای مهم (Increased Information Sharing for Critical Infrastructure Protection)

۱- تنها سناتور مخالف با تصویب قانون میهن پرستی، Russ Feingold بود.

عنوان هشتم - حقوق جزای تروریسم (Terrorism Criminal Law)

عنوان نهم - جاسوسی پیشرفته (Improved Intelligence)

عنوان دهم - متفرقه (Miscellaneous)

نکته مهم اینکه بسیاری از مواد این قانون، یا دارای شرط افول (Sunset Provision) بوده و یا باید از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ (یعنی حدوداً چهار سال پس از تصویب) از درجه اعتبار ساقط می شدند. اما در ماههای قبل از تاریخ پایان اعتبار مواد مذکور، طرفداران آن، در راستای دائمی نمودن مقررات مذکور اعمال فشار نموده و نهایتاً در جولای ۲۰۰۵، سنای آمریکا، اقدام به تصویب لایحه تأیید مجدد، با تغییرات اساسی در بخشهای گوناگون این قانون نمود (Doyle, 2005, p.9). درحالیکه لایحه مصوب مجلس نمایندگان، دربردارنده اکثریت موضوعات قانون اصلی بود. پس از آن، دو لایحه مذکور، در کنفرانس کمیته مذکور، با یکدیگر تطبیق داده شد که به دلیل بی توجهی به آزادیهای مدنی، مورد انتقاد سناتورهای هر دو جناح دموکرات و جمهوری خواه قرار گرفتند (Boyne et al., 2005, p.2). در نهایت، لایحه ای که بسیاری از تغییرات ایجاد شده توسط سنا، از آن حذف شده بود، در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۶ به تصویب کنگره رسید و در تاریخ ۹ و ۱۰ مارس ۲۰۰۶، به امضاء جرج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا رسید (Yeh, 2006, p.25).

ج- تحولات ایجاد شده بوسیله قانون میهن پرستی آمریکا

قانون میهن پرستی آمریکا، باعث ایجاد تحولات گوناگونی در قوانین ایالات متحده آمریکا گردید. اصلی ترین متون قانونی که در این رابطه دستخوش تغییر گشتند، عبارتند از:

- ۱- قانون نظارت بر فعالیتهای جاسوسی مصوب ۱۹۷۸ (Sunset Provision)
- ۲- قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی مصوب ۱۹۸۶ (Electronic Privacy Act) (1986 (ECPA)
- ۳- قانون کنترل پولشویی مصوب ۱۹۸۶ (Money Laundering Control Act 1986 (MLC))

۴- قانون رازداری بانکی ۱۹۷۱ (Bank Secrecy Act 1971(BSA))

۵- قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲ (Immigration and Nationality Act 1952 (INA))

عنوان دوم از قانون میهن پرستی آمریکا، تغییرات مهمی در قوانین مربوط به نظارت بر جاسوسی خارجی ایجاد نمود که مهم ترین قوانینی که از این رهگذر، دستخوش تغییر گردیدند FISA و ECPA بودند. فیساً، تقریباً پس از رسوایی واترگیت و متعاقب تحقیقات به عمل آمده توسط کمیته کلیسا (Church Committee)، به تصویب رسید و سوء استفاده های به عمل آمده در زمینه جاسوسی داخلی، توسط سازمان امنیت ملی (ناسا)، دفتر تحقیقات فدرال (اف بی آی) و سازمان ضد جاسوسی مرکزی (سی آی ای) را کشف و مورد انتقاد قرار داد. مناقشات حاصل از این مسائل، منجر به تصویب فیساً در سال ۱۹۷۸ گردید. قانون مذکور، ناظر بر نحوه شوند و رهگیری ارتباطات، توسط سازمان های ضد جاسوسی آمریکا، به منظور جمع آوری اطلاعات، و مبارزه با جاسوسی خارجی است. (Swires, 2004, p.25). علاوه براین، فیساً اقدام به پایه گذاری یک دادگاه (Foreign Intelligence Surveillance Court (FISC) و یک دادگاه بازنگری (FISA Court of Review) در این زمینه نمود، که به کاربرد ابزار و لوازم دسترسی به سوابق تجاری (Access to Business Records)، شنود تلفنی (Wiretap)، کار گذاشتن میکروفون (Microphone Bugging)، بازرسی بدنی (Physical Searches)، ضبط شماره های تماس (Pen Register) (از و یا به یک خط مشخص) و تجهیزات تله و ردیابی (Trap and Trace Devices) رسیدگی می نمود (Ibid).

EPCA اصلاحیه ای به بخش سوم قانون جامع کنترل بزهکاری و خیابانهای امن ۱۹۶۸ (Omnibus Crime Control and Safe Streets Act of 1968) بود که در مواردی، قانون شنود (Wiretap Statute) خوانده می شد. کمیته کلیسا، اکثریت نظارتهای اعمال شده بر اساس این قانون را که عمدتاً در مورد شرکتها یا سازمانهایی بود که تصور می شد، دارای عناصر افراط گرای سیاسی هستند، غیرقانونی تشخیص داد. چراکه اگر چه شنود تلفنی برای

برقراری امنیت جامعه و اجرای قانون از اهمیت بسیاری برخوردار بود، در قانون فوق، بدون هیچ ضمانت اجرایی مجاز دانسته و حتی برای شنود مکالمات خصوصی شهروندان، بدون رضایت آنان نیز مورد استفاده قرار گرفته، غالباً به عنوان شواهد و مدارک در دادگاهها مورد استفاده واقع شده بود.

بنابراین، برای حمایت از تمامیت و امانت دادگاه و تضمین عدم نقض حریم خصوصی شهروندان، قانون فوق، چارچوبی قانونی برای استفاده از شنود تلفنی و رهگیری ارتباطات پیش بینی نمود. بر اساس قانون فوق، برای انجام چنین اقداماتی، حکم دادگاه، مبنی بر اجازه این کار را لازم دانسته و مجازاتهایی برای انجام این اقدامات بدون مجوز دادگاه، معین کرده بود. تنها استثناء مورد توجه در مورد این قانون، بخش فرعی (۳) ۲۵۱۱ از عنوان ۱۸ قانون ایالات متحده آمریکا (18 U. S. C. subsection 2511(3)) بود که در مورد لزوم اخذ مجوز از دادگاه، در مواردی که رئیس جمهور باید اقداماتی در راستای محافظت از ایالات متحده در برابر اعمال خصمانه واقعی یا بالقوه از طرف یک قدرت خارجی، انجام می داد، رعایت مقررات این قانون را لازم ندانسته بود (Ibid).

در هنگام تدوین مراحل اولیه این قانون، ارتباطات دوربرد، در مراحل ابتدایی خود قرار داشتند و پس از آن، پیشرفتهای بسیاری در این شاخه از فناوری ایجاد گردید که قانونگذاران را ناگزیر از روزآمد نمودن این قانون نمود. بدین ترتیب، ECPA به تصویب رسید و عنوان سوم آن، به ارتباطات سیمی، شفاهی و الکترونیکی «در حال انجام» (While in Transit) و نیز ارتباطات الکترونیکی ضبط شده تسری داده شد. علاوه براین، ECPA ممنوعیت ضبط شماره های تماس و یا استفاده از تجهیزات تله و ردیابی را به ثبت اطلاعات مربوط به شماره گیری استفاده شده در انتقال ارتباطات سیمی یا الکترونیکی بدون مجوز بازرسی، تسری داد (Ibid). در حالی که قانون میهن پرستی به دستگاههای اطلاعاتی اجازه می دهد بدون اطلاع افراد، به استراق سمع آنها بپردازند. بدین ترتیب، ممکن است برای مثال FBI در منزل فردی دستگاه شنود یا تصویربرداری نصب کرده و تمام فعالیتهایش را

بدون آگاهی وی مدت‌ها زیر نظر بگیرد. درحالی‌که مطابق قوانین سابق، برای زیر نظر داشتن افراد، علاوه بر اخذ مجوز، مطلع ساختن فرد از موضوع نیز لازم بود.

بخش ۲۰۶ قانون میهن پرستی در مورد شنوهای اتفاقی و سرزده و عدم نیاز به دستور کتبی دادگاه برای مشاهده و کنترل ارتباطات الکترونیکی در قالب تحقیقات راجع به فعالیتهای تروریستی، بخش ۲۱۴ و ۲۱۶ فراهم کننده امکان کنترل بستر خطوط تلفنی و نامه های الکترونیکی در اینترنت برای تحقیقات کیفری است. بخش ۲۱۵ به FBI و سایر سازمانهای مجری این قانون اجازه تفحص از شرکتها، سازمانها، داروخانه ها، مؤسسات اطلاعاتی، کتابخانه ها، کتابفروشیها و... را به صرف امکان وجود یک رابطه ساده با یک پرونده مربوط به فعالیتهای تروریستی بر مبنای قانون نظارت بر فعالیتهای جاسوسی F F، می دهد.

با تصویب قانون میهن پرستی، وزیر دادگستری در سال ۲۰۰۲ در راستای اجرای ماده ۲۱۵، بخشنامه ای جدید تصویب کرد که قدرت نظارتی FBI را به نحو وسیعی در زمینه صلاحیت جمع آوری اطلاعات و دسترسی به منابع الکترونیکی خصوصی افراد یا شرکتها و کلمه عبور به شبکه ها اطلاعاتی افزایش داده است (Attorney Generals Guidelines on FBI, 2003, p.10).

قانون میهن پرستی، در کنار تغییراتی که در اقدامات نظارتی ایجاد نمود، باعث ایجاد تحولاتی اساسی در قوانین ناظر بر پولشویی (Money Laundering) در آمریکا گردید. قانون اصلی ناظر بر پولشویی در این کشور، قانون کنترل پولشویی (Money Laundering Control Act 1986 (MLCA) بود که خود اصلاحیه ای نسبت به قانون رازداری بانکی (Bank Secrecy Act 1970 (BSA) محسوب می گشت. قانون رازداری بانکی، در سال ۱۹۷۱ به تصویب کنگره رسید و برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر (Drug Trafficking)، پولشویی و دیگر جرائم مالی (Financial Crimes) طراحی شده و مؤسسات مالی را ملزم به نگهداری سوابق خرید نقدی (Cash Purchase) اسناد قابل نقل و انتقال (Negotiable Instruments)، پرونده های معاملات نقدی بیش از ۱۰ هزار دلار آمریکا بطور روزانه و گزارش فعالیتهای مشکوکی می نمود که ممکن است حاکی از پولشویی، فرار از مالیات (Tax Evasion) یا

دیگر فعالیتهای مجرمانه باشد. قانون کنترل پولشویی در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسید، قانون رازداری بانکی را از طریق تغییر در عدم لزوم گزارش دهی مقرر در قانون مذکور، ارتقاء داد. فصل سوم قانون میهن پرستی آمریکا نیز تحت عنوان «قانون جلوگیری از فعالیتهای بین المللی پول شویی و تأمین مالی تروریسم» (USA PATRIOT Act, Title 3, Sec. 371- 356)، ضمن اصلاح قانون رازداری بانکی ۱۹۷۱ و سایر قوانین مرتبط با پولشویی این کشور، مقررات دقیقی در این زمینه وضع نموده است.

طبق این مقررات به خزانه داری آمریکا اختیار داده شده بانکها و سایر مؤسسات مالی داخلی را به کنترل، حفظ سوابق و گزارش حسابهای بانکی با موجودی یا انتقالات و گردش مالی بالا، انتقال ارز و مشکوک به پولشویی ملزم نماید. این مقررات به نحوی تدوین شده که مؤسسات مالی کشورهای دیگر نیز عملاً موظفند در روابط و معاملات خود با مؤسسات آمریکایی این الزامات را رعایت نموده و تعهداتی را در رابطه با کنترل عملیات مالی مشتریان خود بپذیرند که به معنای گردآوری، نگهداری، و پردازش اطلاعات مالی و سوابق بانکی به عنوان یکی از مهم ترین و حساس ترین مصادیق اطلاعات شخصی است. به عبارت دیگر، در آمریکا، براساس مقررات وضع شده طبق قانون میهن پرستی، شرکت های فعال در زمینه امور مالی ملزم گردیده اند تا گزارش های مشکوک مشتریان خود را تهیه و به دولت اعلام نمایند (گور، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

مسلماً، عوارض و آثار منفی امکان دسترسی وسیع و بی قید و شرط، به اطلاعات حساس و مجرمانه افراد، در ابعاد گوناگون، نمایان می گردد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۳ گزارشی منتشر شد که در آن با توجه به میزان بررسی اطلاعات مالی افراد و نیز میزان اشتباهات غیر قابل جبرانی که به سادگی و با مشابهت اسمی میان دارنده یک حساب و یک تروریست رخ داده است توجه بیشتر مسئولین را به رعایت حریم خصوصی افراد و اصلاح قانون میهن پرستی آمریکا خواستار شده است (Doyle, 2002, p.19).

یکی از قوانین ایالات متحده که اجرای آن، ضمن ایجاد تغییر در قوانین این کشور، منجر به دسترسی وسیع سازمانهای امنیتی به اطلاعات شخصی افراد می گردد، قانون Protective Sweep Doctrine در ارتباط با بازرسی اماکن، متعاقب توقیف فرد مجرم است. این قانون امکان بازرسی سریع تمام ملک (و نه فقط اشیاء در معرض دید) را پس از توقیف شخص مورد نظر بدون مجوز قضایی فراهم می سازد. وسعت اختیارات پیش بینی شده در قانون فوق موجب سوءاستفاده FBI و ماموران پلیس از آن می شود. مطابق این قانون سازمانهای امنیتی امریکا و از جمله CIA اجازه دسترسی به اطلاعات شخصی افراد از جمله سوابق تحصیلی، مبادلات مالی، فعالیت در اینترنت، مکالمات تلفنی و اطلاعات بدست آمده در جریان تحقیقات و رسیدگیهای قضایی و تجسسهای جرم شناسی را دارند. رئیس CIA به عنوان سرگروه سازمانهای اطلاعاتی امریکا می تواند به متمرکز و مجتمع کردن تمامی این اطلاعات و به اشتراک گذاری آن با تمامی سازمانهای اطلاعاتی امریکا مبادرت نماید (Rosenblum, 2011, p.5).

بخش ۲۰۳ قانون میهن پرستی ناظر بر اختیار به اشتراک گذاری اطلاعات جمع آوری شده راجع به افراد است. شرایط این بخش برای افشا و به اشتراک گذاری، نقض حریم خصوصی افراد را به سهولت امکان پذیر می سازد. نکته مهم در مورد این بحث شمول مقررات این ماده نسبت به تمامی انواع اطلاعات است. به عبارت دیگر اطلاعات قابل افشا و به اشتراک گذاری می تواند طیف وسیعی از اطلاعات از سوابق شغلی و تحصیلی و مکالمات شوند شده تا اطلاعات مبادله شده از طریق اینترنت را در بر بگیرد (Abramson, Godoy, 2006, p.5).

قانون مهاجرت نیز تحت تأثیر قانون میهن پرستی قرار گرفت. قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲ که به نام McCarran-Walter Act نیز شناخته می شود، با هدف محدود نمودن مهاجرت به ایالات متحده، طراحی شده بود. این قانون به دولت اجازه می داد، مهاجرین یا افرادی که تابعیت آن کشور را کسب نموده اند، در صورت شرکت در فعالیتهای خرابکارانه، اخراج نماید و نیز از ورود افراد مشکوک به خرابکاری، به کشور جلوگیری به

عمل آورد. قانون مذکور، تحت عنوان ۸ قانون ایالات متحده آمریکا تدوین شده که ناظر بر مهاجرت و تابعیت در ایالات متحده بود. قبل از تصویب این قانون، امور مذکور، تحت شمول تعدادی از قوانین پراکنده قرار می گرفتند که به صورت یک قانون واحد ناظر بر موضوع در نیامده بود. این قانون، بعدها توسط قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۶۵ اصلاح شد و پس از آن، قانون اصلاح و کنترل مهاجرت ۱۹۸۶، تا قبل از تصویب قانون میهن پرستی، ناظر بر موضوعات مذکور بود. پس از تصویب قانون میهن پرستی، به واسطه تدوین قواعد و مقررات متعدد و جدید در این زمینه، قانون ۱۹۸۶ دستخوش تغییرات بسیاری گشت (Ibid).

عنوان چهارم از قانون میهن پرستی آمریکا به امنیت مرزها اختصاص دارد و بطور خلاصه، از طریق گسترش اقدامات لازم برای کنترل و نظارت بر مرزها، افزایش اختیارات دادستان کل و تخصیص بودجه در این زمینه به چاره اندیشی در زمینه کنترل مهاجرت پرداخته است (Ibid). یکی از مهم ترین اقدامات انجام شده در این راستا، الزامی نمودن استفاده از ماشین رمزخوان و گذرنامه های بیومتریک (Biometric Passport) در کلیه مرزهاست. این نوع گذرنامه، که پاسپورت الکترونیکی یا دیجیتالی نیز خوانده می شوند، یک مدرک مرکب از کاغذ و قطعات الکترونیکی است که برای احراز هویت مسافران، مورد استفاده قرار می گیرد. این گذرنامه، مجهز به فناوری کارت هوشمند غیرتماسی (Contactless Smart Card) است و با استفاده از یک تراشه ریزپردازنده (Microprocessor Chip) عمل می کند. و مشخصات این تراشه ها، در سازمان بین المللی هوانوردی غیرنظامی (International Civil Aviation Organization (ICAO)) ثبت می شود. اطلاعات مهم و مشخصات دارنده گذرنامه، که بر پایه اطلاعات بیومتریک انسان است، در صفحات کاغذی و تراشه هوشمند ضبط می گردد. علاوه بر الزام به استفاده از ماشین رمزخوان در بخش ۴۱۷، به منظور تقویت سازمانهای امریکایی در جهت مقابله با عملیات تروریستی، ارتقای امنیت داخلی و ارتقای روشهای تجسس، بخش ۱۰۰۸ قانون میهن پرستی آمریکا به

استفاده از پروژه امکان سنجی برای استفاده از سیستمهای اسکنر بیومتریک که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با سیستمهای تعیین هویت اتوماتیک و یکپارچه FBI از روی اثر انگشت در ارتباط است در کنسولگری آمریکا و نقاط ورود به ایالات متحده و کشورهای دیگر اختصاص یافته است.

بخش ۴۰۵ قانون فوق الذکر نیز به گزارش گیری از سیستم خودکار تشخیص هویت از طریق اثر انگشت (IAFIS) در مرزهای ورودی و کنسولگریهای خارج از کشور پرداخته است (Ibid).

یکی از تمهیدات بکار گرفته شده در راستای اجرای مقرات قانون میهن پرستی آمریکا ناظر بر مسأله مهاجرت و تأمین امنیت مرزها، استفاده از کارتهای شناسایی الکترونیکی است. پدیداری نسل جدید کارتهای شناسایی، مرهون پیشرفتهای صورت گرفته در صنعت الکترونیک بوده و امروزه انواع گوناگونی از آنها، با توجه به اهداف مختلف، قابل استفاده می باشند. ریز پردازنده های بکار گرفته شده در این کارتها، قابلیت اتصال به یک پایگاه داده که کلیه اطلاعات و سوابق افراد در آن موجود است را دارا می باشد. این نوع کارتها علاوه بر کاربرد شناسایی، امکان دریافت خدمات دولتی، بایگانی سوابق افراد و... را فراهم می آورد. رواج استفاده از این کارتها، سؤالات بسیاری را در زمینه عوارض ناشی از جمع شدن کلیه اطلاعات محرمانه افراد در یک مکان قابل دسترس، مطرح نموده است (Ibid).

کارتهای تعیین هویت بنا به اهداف مختلفی ایجاد می شوند. مهمترین مقاصد عبارتند از: شناسایی نژاد، سیاست و مذهب. بدین ترتیب، ثبت مشخصات افراد نامطلوب و ناراضی در یک اداره دولتی، در دسترس قرار دادن اطلاعات شخصی شان از طریق یک شناسه یا کد، در دست داشتن اسناد مناسب برای جلوگیری از شورش، مهاجرت، اختلافات مذهبی یا افراطی گری سیاسی، از مهم ترین راهکارهای نظارت در این زمینه به شمار می رود.

لایحه کارت های تشخیص هویت الکترونیکی در سال ۲۰۰۵ به تصویب مجلس سنای امریکا رسید و تاریخ لازم الاجرا شدن آن سال ۲۰۰۸ تعیین گردید. طرفداران این لایحه، از

جمله بوش و قوه مجریه زمان وی به لزوم آن برای جلوگیری از اخذ گواهی نامه رانندگی توسط مهاجران غیر قانونی اعتقاد دارند. با لازم الاجرا شدن این لایحه، آمریکائیان موظف به اخذ کارتهای شناسایی مصوب فدرال مجهز به تکنولوژی ماشین رمزخوان مطابق شرایط اداره امنیت محل زندگی شان می‌باشند. مسافرتهاى هوایی، دریایی و زمینی، افتتاح حساب بانکی و ورود به ساختمانهای فدرال، برای افراد فاقد این کارتهای شناسایی به نحو مؤثری ممنوع است. این لایحه، علیرغم مطالب و انتقادات ارائه شده در زمینه معایب آن و دشواریهایی که حتی برای شهروندان و مهاجرین قانونی ایجاد می‌کند، با یک رأی نسبتاً ضعیف، ۱۶۱ از ۲۶۱، به تصویب رسید، و برخی سناتورها آن را محکوم کردند (Ibid).

این در حالی است که طرفداران قانون کارتهای تشخیص هویت از جمله نماینده جمهوری خواه ایالت ویسکانسین، جیمز سنسِنبرِیر، بر این عقیده اند که کارتهای شناسایی برای ممانعت از تروریستهای خارجی از مخفی شدن در دید آشکار، ضمن راهبرد عملیات و طرح حملاتشان، حیاتی است. به نظر آنان، قابلیت این کارتها در شناسایی هویت، ردیابی و رهگیری افراد، آن را به یکی از مهم ترین ابزارهای اجرای عنوان چهارم قانون میهن پرستی آمریکا و مبارزه با تروریسم بدل نموده است (Ibid). نکته قابل ذکر در این زمینه، اختصاص منافع حاصل از مهاجرت، به خانواده های قربانیان تروریسم است (Leahy, 2001, p.61). سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی (ICAO) که در سال ۱۹۴۴ در شیکاگو تأسیس شد، مسئولیت وضع استانداردهایی در جهت ارتقای امنیت مرزها را بر عهده دارد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن مسئولیت این سازمان جدی‌تر و سنگین‌تر شد. به طوری که کلیه ۱۸۹ کشور عضو، تا سال ۲۰۱۰، خود را ملزم به استفاده از ماشین‌های رمزخوان استاندارد (MRP)، در مرزهای خود نمود (ICAO MRTD Report, 2006).

یکی از جدیدترین قوانین مصوب، در راستای مبارزه با تروریسم که قوانین مهاجرت و تابعیت آمریکا را با تغییراتی دیگر مواجه ساخت، قانون شناسه واقعی مصوب ۲۰۰۵ است (Rosenblum, op. cit.).

د- آخرین تحولات قانون میهن پرستی آمریکا

علاوه بر آنچه بیان گردید، باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۲۶ مه ۲۰۱۱، تمدید چهار ساله سه ماده مهم این قانون را امضاء نمود:

۱- **شنوده تعقیب کننده (Roving Wiretap):** نوعی از شنود تلفنی ویژه که در ایالات متحده انجام می شود. در این شیوه، هدف نظارت، در تمامی دوره شنود، دنبال می شود. در انواع دیگر شنود، اگر سوژه، به هر ترتیب، قصد غلبه بر پایش و شنود تلفنی را داشته باشد به عنوان مثال، تلفن خود را دور انداخته و تلفن دیگری تهیه کند یا مکان خود را تغییر دهد و... برای تعقیب مجدد وی صدور قرار نظارت جدید لازم است. حال آنکه در این گونه خاص از پایش، هدف مورد نظر، علیرغم تمامی تمهیدات بکارگرفته شده از جمله تغییر مکان، فناوری ارتباطی و...، بدون نیاز به صدور قرار جدید، همچنان تحت نظارت باقی می ماند (Masters, 2011, p.3).

۲- **جستجوی سوابق تجاری:**^۱ بخش ۲۱۵ قانون میهن پرستی، به FBI و سایر سازمانهای مجری این قانون اجازه تفحص از شرکتها، سازمانها، داروخانه ها، مؤسسات اطلاعاتی، کتابخانه ها، کتابفروشیها و... را به صرف امکان وجود یک رابطه ساده با یک پرونده مربوط به فعالیتهای تروریستی بر مبنای قانون نظارت بر فعالیتهای جاسوس، می دهد. در همین راستا، با تصویب قانون میهن پرستی، وزیر دادگستری در سال ۲۰۰۲ در راستای اجرای ماده ۲۱۵، بخشنامه ای جدید تصویب کرد که قدرت نظارتی FBI را به نحو وسیعی در زمینه صلاحیت جمع آوری اطلاعات و دسترسی به منابع الکترونیکی خصوصی افراد یا شرکتها و کلمه عبور به شبکه ها اطلاعاتی افزایش داده بود که مجدداً با امضای رئیس

۱- این ماده، ماده سوابق کتابخانه نیز خوانده می شود (The Library Record Provision).

جمهور آمریکا، در سال ۲۰۱۱، چهار سال دیگر تمدید شد (Attorney General's F Guidelines on FBI, op. cit.)

۳- اعمال نظارت بر اشخاص تنها (Lone Wolves): این اصطلاح، ناظر بر افرادی است که مشکوک به فعالیتهای تروریستی هستند اما به گروههای تروریستی وابسته نیستند (Fox News, 2011).

ه- تأثیرات قانون میهن پرستی آمریکا بر مبانی و قوانین کیفری

قانون میهن پرستی آمریکا، از جمله قوانینی است که تصویب و اجرای آن، با چالشهایی بسیار گسترده حقوقی، سیاسی، اجتماعی و... همراه بوده است. موافقان این قانون، آن را بهترین و مؤثرترین راهکار، برای مبارزه با تروریسم و پیشگیری از آن می دانند. اما مخالفان، دلایل گوناگونی برای ادعای خود ارائه می نمایند که مهم ترین آنها، نقض فاحش جلوه های گوناگون آزادیها و حقوقی است که رسالتشان صیانت از کرامت، شخصیت و حق خلوت انسان است. مجاز شمردن توقیف نامحدود و بی قید و شرط مهاجران و بویژه مسلمانان، تفتیش بدون مجوز محل زندگی و کسب و کار آنان، بازرسی بدنی، پایشهای وسیع ابعاد گوناگون ارتباطات و فعالیتهای افراد، اعم از ضبط شماره های تماس، شنود محتوای مکالمات تلفنی، کنترل آدرس پست الکترونیکی و محتوای آنها، جستجوی سوابق مالی، اطلاعات شخصی و محرمانه افراد و طبقه بندی آنها در پایگاههای عظیم داده، پایشهای ویدئویی و... از جمله مصادیق نقض فاحش حریم خصوصی و کرامت انسانی افراد است.

پیامدهای زیان بار تدوین و اجرای قانون میهن پرستی آمریکا، در سالهای گذشته، به اشکال گوناگون متبلور گشته و جلوه های گوناگون آزادیها و حقوق و کرامت انسانی را با مخاطراتی جدی و پیشرونده روبرو ساخته است. به بیان دیگر، امنیت گرایی و آزادی اطلاعات، از جمله مهم ترین ابزارهای قوانینی مانند قانون میهن پرستی آمریکاست که با

هدف مبارزه همه جانبه با تروریسم و پیشگیری از آن، در جبهه های مختلف، مهم ترین دستاورد های حیات انسانی، از جمله آزادیهای مدنی و سایر حقوق اساسی، مانند حریم خصوصی و دموکراسی را ناچار به عقب نشینی ساخته است.

امنیت گرائی ناشی از اجراء قانون میهن پرستی عوارض متعددی را در پی داشت ولی عوارض بنیادین و مهم آن بر بنیادهای حقوق عمومی و کیفری را بطور خلاصه می توان در موضوعات زیر بررسی نمود:

۱- آزادی اطلاعات (Freedom of Information)

بحث در مورد رجحان و تقدم امنیت ملی یا آزادیهای شهروندان، در ایالات متحده آمریکا، موضوع جدیدی نیست. اما بیش از هر زمان دیگر، در زمینه تصویب و اجراء قانون میهن پرستی آمریکا مطرح گشته و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از موضوعات بسیار مهمی که در این زمینه، دستخوش تغییرات شگرف و بی سابقه گشت، آزادی اطلاعات می باشد. اگرچه خاستگاه اصلی آزادی اطلاعات، ایالات متحده آمریکاست، اجرای مقررات قانون مذکور، از طریق انواع نظارت، پایش، تفحص و گردآوری وسیع انواع داده های مرتبط با لایه های گوناگون زندگی افراد، مستلزم بکارگیری قرائت جدیدی از پدیده آزادی اطلاعات می باشد. بدین ترتیب، طرفداران آزادی اطلاعات، لزوم نظارت هر چه بیشتر، تحقیق و تفحص سریع تر و دقیق تر و امکان گردآوری و تجزیه و تحلیل آسان تر و مؤثرتر اطلاعات را در گرو آزادی هر چه بیشتر جریان اطلاعاتی تلقی می نمایند که انتشار، قابلیت دسترسی و هر گونه داده کاوی در ارتباط با آنها، در تعارض با حقوق بنیادین بشر، از جمله حق محرمانگی، حریم خصوصی و کنترل بر اطلاعات شخصی و حساس افراد می باشد (Panetta, 2004, p.3).

آزادی اطلاعات یکی از مصادیق مهم حقوق شهروندی است که بر اساس آن، افراد جامعه باید از حق دسترسی سریع و آزاد به اطلاعات برخوردار باشند. آزادی

اطلاعات در اصل به معنای جستجو، جمع‌آوری، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه اخبار و عقاید است. «حق دسترسی به اطلاعات» (Right of Access to Information) از جمله اجزاء آزادی اطلاعات است که تا حدودی مترادف یکدیگر بکار می‌روند.

در نتیجه وجود حدود و مرزهای میان حقوق و آزادیهای گوناگون و لزوم به کارگیری هر یک در محدوده صحیح خود، این حقوق و آزادیها، در جامعه، با یکدیگر در تراحم قرار می‌گیرند. از یک سو حقوق و آزادیهای فردی مانند منع دستگیری و توقیف، حق دفاع از خود، آزادی مذهب، بیان، حریم خصوصی و... به منظور حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از صدمات معنوی و سلب آرامش درونی افراد مورد اهتمام می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آنها حفاظت از اطلاعات و اسرار شخص در جهت جلوگیری از هتک حیثیت افراد است. از سوی دیگر جامعه و دولت دارای حقوقی می‌باشند که نقض آنها موجب آسیب به اجتماع می‌شود. لذا دولت به نمایندگی از جامعه تلاش می‌کند تا از حقوق اجتماع دفاع نماید. البته به لحاظ موقعیت طرفین و عدم برابری در رابطه بین فرد و دولت، قوانین اساسی کشورهای گوناگون تلاش می‌نمایند راههایی برای تضمین حقوق افراد پیش‌بینی کنند تا حاکمیت موجب نقض و تضییع آن نشود. آزادی اطلاعات یکی از بارزترین مصادیق حقوق جامعه است که ممکن است با موانعی مانند سانسور، تحریف و یا استفاده از فناوری برای جلوگیری از جریان اخبار مواجه شود که همگی ناقض حقوق جامعه و افراد هستند.

طرفداران توسعه قلمرو آزادی اطلاعات، در جهت تحقق اهداف قانون میهن پرستی آمریکا، آن را یکی از مؤثرترین ابزارهای برطرف سازی نقاط ضعف فاحش قوانین این کشور و عملکرد دولت آن، در پیشگیری از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ می‌دانند که در قالب اجرای قانون میهن پرستی تبلور می‌یابد (Ibid). مسلماً با توجه به ماهیت و حساسیت برخی اطلاعات، نمی‌توان تمامی انواع اطلاعاتی را که مؤسسات

دولتی در اختیار دارند قابل انتشار برای عموم دانست. به عبارت دیگر مفهوم واقعی آزادی اطلاعات با آنچه که الفاظ آن به ذهن متبادر می‌سازد کاملاً متفاوت است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین قواعدی که همواره در جریان تفسیر حقوق و آزادیهای مدنی و تعیین تقدم آنها بر یکدیگر، همواره مورد استناد دادگاه‌ها قرار گرفته این است که هیچ یک از حقوق و آزادی‌ها، مطلق نبوده بلکه باید با توجه به نیازهای جامعه تعدیل شوند (Turban, 2004, p.16).

یکی از حوزه‌های نیازمند نگاه ویژه و تخصصی در زمینه تقابل آزادی اطلاعات و رعایت حقوق افراد، فضای سایبر است. چراکه فضای مجازی، به لحاظ ویژگی و قابلیت‌های بی‌مانند و فراوان خود، به یکی از مناسب‌ترین فضاهای فعالیت گروههای افراط‌گرا و تروریست مانند طرح نقشه‌های تروریستی، جذب افراد جدید به این گروه‌ها، برگزاری گردهمایی، پولشویی الکترونیکی و... بدل شده که در فضای حقیقی غیرممکن یا بسیار دشوار هستند و به همین دلیل، به عنوان یکی از پرمخاطره‌ترین حوزه‌ها، هدف انواع پایش و رهگیری بی‌حد و حصر دولتها نیز قرار گرفته است. بدیهی است چنین فضایی نیازمند نسخه روزآمد و تخصصی قواعد و اصول آزادی اطلاعات است که قادر به برقراری تعادل میان اهداف قانون میهن پرستی و حقوق و آزادیهای شهروندان مجازی باشد (Raghvan, 2003, p.121). تراحم حقوق فرد و جامعه در فضای قانون میهن پرستی، قرائتها و برداشتهای گوناگونی از مفهوم آزادی اطلاعات و دامنه آن را پدید آورده است.

۲- نظارت (Surveillance)

یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین بخشهای قانون میهن پرستی، ناظر بر مقررات نظارت فدرال است. همانگونه که توضیح داده شد، این مقررات، با هدف ردیابی و رهگیری هر چه دقیق‌تر و وسیع‌تر ارتباطات تروریستها در ایالات متحده آمریکا، با

استفاده از فناوریهای ویژه این عرصه تنظیم شده اند. اما دامنه نظارت‌های اعمال شده به موجب این قانون، صرفاً به رهگیری، کنترل، ضبط و ذخیره سازی مکاتبات سنتی و انواع ارتباطات الکترونیکی افراد محدود نمی شود. بر اساس بخش ۲۱۵ قانون میهن پرستی، تمامی سوابق مالی، کتابخانه ای،^۱ مسافرتی، سوابق پزشکی، داروخانه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجد، در قلمرو ایالات متحده امریکا، بدون نیاز به اطلاع و رضایت آنان، در راستای حفاظت در برابر تروریسم، مورد بررسی و پردازش قرار می گیرد. بنابراین، با توجه به ابعاد بسیار وسیع اختیارات حاصل از مقررات مذکور، حتی لازم نیست فرد یا مؤسسه مورد نظر، مظنون به فعالیتهای تروریستی باشد بلکه فقط کافی است با مبارزه با تروریسم مرتبط قلمداد گردد. علاوه براین، نهاد نظارت کننده نیز موظف به انتشار جزئیات زمان و چگونگی نظارت، نمی باشد (Kranish, 2009, p.5).

همانگونه که مشاهده می شود، محدوده اطلاعات گردآوری شده طبق مقررات مذکور، بسیار وسیع تر از افراد و یا نهاد مظنون به فعالیتهای تروریستی است. بنابراین، طیف وسیعی از انواع اطلاعات شخصی و حساس و یا محرمانه شهروندانی با استناد به بخش ۲۱۵ قانون میهن پرستی جمع آوری، پردازش، طبقه بندی و ذخیره می گردد که بدون کوچکترین ارتباط با فعالیتهای تروریستی، اساسی ترین حقوق و آزادیهای انسانی و مدنی شان مانند حق حریم خصوصی و مصونیت از مداخله دیگران، در لایه های گوناگون حیات فردی شان، به شدت مورد دست اندازی قرار گرفته و آماج آسیبهای جبران ناپذیر قرار می گیرد.

اجرای بخش ۲۱۵ قانون میهن پرستی، موجی از اعتراضات شدید و روزافزون را به دلیل نقض حقوق مدنی و آزادیهای فردی، به دنبال داشت. اتحادیه های آزادی مدنی آمریکا، در ایالت های مختلف از جمله فلوریدا، و نیومکزیکو، اتحادیه هایی برای

۱- منظور از سوابق کتابخانه ای، تمامی داده ها و اطلاعات حاصل از خرید، اجاره یا به امانت گرفتن کتابها، نشریات و محصولات سمعی و بصری، از مراجع و سازمانهای مربوطه می باشد.

اعتراض و اطلاع رسانی به مردم، در مورد پیامدهای اجرای بخش ۲۱۵ این قانون، تشکیل دادند. بنا بر استدلال آنان، جستجو، گردآوری و ذخیره سازی سوابق مشتریان کتابفروشیها، کتابخانه ها و ارائه کنندگان محصولات سمعی و بصری، نقض فاحش حق آزادی بیان (Freedom of Speech) این اماکن و مشتریان آنهاست. بدین ترتیب، مؤسسات مذکور، با نصب اعلامیه و یادداشت، به مشتریان خود، تذکر می دهند که سوابق کتابخانه ای آنان ممکن است مورد بررسی قرار گیرد (Ibid).

۳- نظارت بر فعالیتهای جاسوسی در خارج از کشور (Foreign Intelligence Surveillance)

بخش ۲۱۸ قانون میهن پرستی آمریکا با هدف به حداقل رسانیدن موانع موجود برای انجام انواع نظارت علیه جاسوسی خارجی اعم از شنود و رهگیری انواع ارتباطات و تفتیش و بازرسی، انجام این اقدامات را بدون مجوز دادگاه امکان پذیر ساخته است. طرفداران قانون مذکور دستاوردهای بخش ۲۱۸ را گام مهمی در راستای مبارزه با جاسوسی خارجی و تروریسم تلقی می نمایند. در مقابل به نظر منتقدان و طرفداران آزادیهای مدنی ماهیت محرمانه و پوشیده فعالیتهای ضد جاسوسی و امکان نظارت اندک بر آنها، سوء استفاده از این ماده را به سهولت امکان پذیر نموده در حالیکه کشف این موارد سوء استفاده بسیار دشوار و در بسیاری از موارد غیر ممکن است.

همانطور که در مورد قانون نظارت بر فعالیتهای جاسوسی گفته شد، منظور از این گونه از نظارت، تحقیقاتی است که در کشورهای دیگر و در مورد شهروندان آن کشورها انجام می گیرد. یکی از بزرگترین پیامدهای منفی اجرای مقررات مذکور، ناشی از نوع ادبیات این قانون می باشد. به نحوی که اشخاص ثالث را به همکاری، اعم از هرگونه مساعدت و کمک به مراجع و مجریان این قانون، در مورد فعالیتهای جاسوسی خارجی، در قبال مصونیت از مسئولیت مدنی، دعوت می نماید (Ibid).

لازم به توضیح است که آنچه در این سلسله عملیات، دعوت به همکاری با مجریان قانون، خوانده شده، از مصادیق بارز تشویق و ترغیب شهروندان، در تجسس در امور خصوصی، نقض حریم خصوصی دیگران و موجه جلوه دادن چنین اموری است که زمینه آن، با تصویب و اجراء قانون میهن پرستی آمریکا فراهم گشته است.

۴- قوانین ناظر بر پولشویی

اجرای مقررات قانون میهن پرستی آمریکا، در کنار سایر عوارض جانبی خود، هزینه سنگینی را به صنعت بانکداری این کشور تحمیل نموده است. بخش ۲۱۳ این قانون، به مبارزه با پولشویی با هدف از هم گسیختن شبکه های حامی تروریستی و تبهکاری اختصاص دارد و یکی از مفصل ترین قوانین ضد پولشویی است که تاکنون در ایالات متحده آمریکا به تصویب رسیده است. به نظر منتقدین، معضلات ناشی از اجرای این بخش از قانون میهن پرستی، یکی از مستقیم ترین و مشهودترین آثار این قانون بر زندگی مردم می باشد (Kashan, 2009, p.86).

قانون فوق، اختیارات وزارت خزانه داری آمریکا را در راستای پوشش دهی به درخواست گزارش دقیق عملکرد انواع مختلف فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار، اعم از دلالان، معامله گران، تجار، مشاوران، نهادهای مالی و... برای ضبط گزارش های فعالیتهای مشکوک، به نحو چشمگیری افزایش داده است. این فعالیتهای مشکوک، در گستره ای وسیع، از هرگونه حمایت از اقدامات تروریستی، پولشویی، معاملات مواد مخدر و فرار از مالیات، قرار می گیرند (Karnish, op. cit.).

تغییرات و گسترش اختیارات مذکور، با این توجیه صورت گرفته که با توجه به تغییرات مهم و مداوم در شیوه های پولشویی، سیاستها و راهکارهای ضد پولشویی جاری، قادر به ابزارهای کارآمد و مورد نیاز نهادهای مجری قانون، برای مواجهه با این معضل فرآیند نمی باشند (Kashan, op. cit.).

بدین ترتیب، طیف وسیعی از کسب و کار، نهادهای مالی و تجارت‌های خصوصی که اکثریت آنها در صنعت خدمات مالی فعالیت می‌کردند، در کنار سایر فعالان عرصه اقتصاد و بانکداری، تحت نظارت و اعمال مقررات فوق، قرار گرفتند. به نحوی که گذشته از فعالیتهای اقتصادی کوچک و بزرگ مؤسسات و نهادهای گوناگون، حتی یک افتتاح حساب ساده یا کنترل آن توسط دارنده حساب بانکی نیز هدف نظارت و بررسی مقررات ضد پولشویی زیر مجموعه قانون میهن پرستی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی اجرای مقررات مذکور، ایجاد موانع بسیار در جریان آزاد و سریع عملیات بانکی در سراسر دنیا است که قابلیتهای تکنولوژیکی و اطلاعاتی جهان امروز، آن را به شبکه‌ای بزرگ و یکپارچه تبدیل نموده است (Panetta, op. cit.).

علاوه بر این، از آنجا که اطلاعات مرتبط با حسابهای بانکی و فعالیتهای اقتصادی افراد، در زمره اطلاعات شخصی و محرمانه آنان قرار دارد، داده‌کاوی بی‌حد و حصر در این زمینه، نقض فاحش حریم خصوصی افراد محسوب می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۹).

۵- نقض حریم خصوصی

در میان حقوق و آزادیهای مرتبط با انسان، حریم خصوصی، به دلیل ارتباط تنگاتنگ با لایه‌های گوناگون حیات بشری، یکی از مهم‌ترین و آسیب‌پذیرترین آنان محسوب می‌گردد. حریم خصوصی، حتی اساسی و شرط وجود خلوت است که انسان به واسطه آن مستحق محفوظ ماندن از انظار در زندگی خصوصی و امور درونی خود می‌باشد. حرمت، اعتبار و ارزش حریم شخصی و محدودیتهای وارده بر آن در هر جامعه، به واسطه قدرت، اثر بخشی، و قابلیت اجرای قانون مشخص می‌شود. نهاد حریم خصوصی ترکیبی از ارزشهای مرتبط در زمینه‌های مختلف است. برای مثال، از تمامیت جسمانی محافظت نموده و در بردارنده کنترل بر اطلاعات شخصی و مصونیت منزل و محرمانگی ارتباطات

می باشد. این اصول نیز به نوبه خود بر مبنای اصل بنیادین «خودمختاری» (Autonomy) فرد در سطوح شخصی، ذهنی و اجتماعی قرار دارند (همان، ص ۳۴۱).

علت طرح مبحث حریم خصوصی، در ارتباط با تحولات کیفری ناشی از اجرای قانون میهن پرستی آمریکا و پیامدهای آن، اهمیت نهاد حریم خصوصی، به عنوان کانونی ترین موضوع در ارتباط با عوارض جانبی این قانون می باشد. در قسمتهای قبل، پیامدهای اجرای قانون میهن پرستی و ابعاد گوناگون آنها به اختصار مورد بررسی قرار گرفت، با دقت در موضوعات و مفاهیم مطرح شده، مشخص می گردد که تمامی مصادیق نقض حقوق و آزادیهای مدنی در این زمینه، به نوعی زیرمجموعه حریم خصوصی محسوب می شوند. پژوهشهای به عمل آمده در این زمینه و بازتاب اجرای مقررات مذکور، بیانگر این حقیقت است که قانون میهن پرستی آمریکا، بیش از هر عامل دیگر از مهم ترین ناقضین حق آزادی بیان و حریم خصوصی شهروندان محسوب می گردد. تمامی اقدامات انجام شده بر اساس این قانون، در راستای برقراری امنیت و مبارزه با تروریسم، از بهره گیری افراطی از اصل آزادی اطلاعات، انواع نظارت و پایش، نظارت بر جاسوسی خارجی تا مبارزه با پولشویی و... همگی به نوعی دایره بر مدار دسترسی بی حد و حصر به اطلاعات شخصی و محرمانه شهروندان و قدرت گردآوری، بررسی و نگهداری آنان، در پایگاههای عظیم داده می باشد. چراکه یکی از کانونی ترین مباحث نوین حقوق و آزادیهای مدنی انسانها، «حریم خصوصی اطلاعاتی» (Informational Privacy) است. بر این اساس، ارزش و قدر حریم خصوصی به انجام اقدامات مؤثر برای محفوظ نگه داشتن اطلاعات مربوط به هر فرد بستگی دارد. جریان های بین المللی اطلاعات، و از جمله داده های شخصی، یکی از ستونهای اصلی جامعه اطلاعاتی و فرآیندهای تجاری، آموزشی، اجتماعی و دولتی است. استمرار جریان صحیح اطلاعات بطور همزمان نیازمند نظارت دقیق و مداوم در راستای رعایت حقوق افراد و حمایت از داده های شخصی است (همان).

دولتها در جریان فعالیت با هدف مبارزه با تروریسم و کوشش همه جانبه در راستای موفقیت این مبارزه، از ابزارهایی استفاده می نمایند که همانطور که گفته شد، با دسترسی بی حد و حصر به داده های شخصی، دارای عوارض جانبی بسیار جدی بویژه در زمینه حقوق اساسی و آزادیهای مدنی مانند محرمانگی افراد می باشد که نگرانی های شدید فعالان حقوق بشر و طرفداران دمکراسی را در پی داشته است. چراکه تمرکز بر برقراری بی قید و شرط امنیت، مستلزم گستره بسیار وسیعی از جریان آزاد اطلاعات و در دسترس بودن اطلاعات شخصی و محرمانه افراد است.

حقوق و آزادیهای مدنی، به آن دسته از حقوق و آزادیهای ویژه ای اطلاق می شوند که برای حمایت از افراد، در برابر تعدی، تبعیض، بی عدالتی و دولتهای دیکتاتور وضع شده و در جهت محدود نمودن قدرت اینگونه حکومتها عمل می کنند. این دسته از حقوق و آزادیها، از مؤلفه های جوامع دمکراتیک هستند و افراد جامعه را از مصونیت و جایگاهی ویژه و درخور مقام انسان، برخوردار می سازند. مهم ترین مصادیق آنها عبارتند از:

- ۱- آزادی از بردگی و کار اجباری (Freedom of Slavery and Forced Labour) -۲
- آزادی از شکنجه و مرگ (Freedom from Torture and Death) -۳ آزادی از دستگیری و توقیف (بدون دلیل) (Freedom from Arbitrary Arrest and Detention) -۴ حق برخورداری از محاکمه عادلانه (The Right of a Fair Trial) -۵ آزادی حرکت و تغییر مکان (The Right of Movement) -۶ آزادی مذهب (Freedom of Religion) -۷ حق دفاع از خود (The Right to Defend Oneself) -۸ آزادی گردهمایی و معاشرت (Freedom of Assembly and Association) -۹ حق رعایت تشریفات قانونی در مورد مالکیت اموال (The Right to Due Process To Own Property) -۱۰ آزادی بیان (Freedom of Expression) -۱۱ حق حریم خصوصی (The Right of Privacy) و...

همانگونه که مشاهده می شود، قانون میهن پرستی آمریکا، بسیاری از مهم ترین مصادیق حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی افراد را با هدف مبارزه همه جانبه با تروریسم

و برقراری امنیت، با محدودیتهای جدی مواجه ساخته و حتی نقض نموده است. یکی از مهم ترین این حقوق که به لحاظ ویژگیهای خاص خود، به گونه ای با بسیاری از دیگر آزادیهای مدنی در ارتباط بوده و دارای تأثیر پذیری متقابل می باشند، حق حریم خصوصی است.

بدین ترتیب، به نظر می رسد، در معامله میان امنیت و حریم خصوصی، این حریم خصوصی و حق خلوت و محرمانگی افراد است که در موضع آسیب پذیرتر قرار گرفته و صدمه می بیند. زیرا اولین و بدیهی ترین نتیجه فعالیتهایی از این دست، توسط دولت، تجمع اطلاعات و در نتیجه، موقعیت برتر آنان نسبت به شهروندان است که موجب نگرانی هرچه بیشتر فرد در جامعه می گردد. بویژه در عصر فناوری اطلاعات و دسترسی آسان به داده ها اهمیت این بحث دو چندان خواهد بود. در نتیجه، آزادیهای مدنی اشخاص، در موقعیتی قرار دارند که به دلایل مختلف، و با هدف برقراری امنیت و نظم عمومی، در معرض تهدیدگران گوناگون قرار گرفته اند.

نکته ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، تسری اقدامات انجام شده در راستای نقض و یا مخدوش نمودن حقوق و آزادیهای مدنی و اساسی شهروندان به عنوان پیامدهای تحولات ایجاد شده در قوانین کیفری ایالات متحده، در هر دو فضای مجازی و حقیقی است. ویژگی های جهان و زندگی امروز و تحولات شگرف و سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، افراد جامعه را بطور همزمان، ناگزیر از شهروندی هر دو فضای حقیقی و مجازی نموده است. کاربری وسیع، قابلیتهای ویژه و بی شمار جهان سایبر، در کنار امکان نظارت و ردیابی دقیق فعالیتهای شبکه ای، آن را به یکی از اصلی ترین اهداف انواع پایش و رهگیری تبدیل نموده که بکارگیری بی حد و حصر آنها، حقوق و آزادیهای شبکه وندان (Netizens) را نیز به موازات شهروندان فضای حقیقی، با مخاطرات جدی روبرو ساخته است.

و) دیدگاه‌های نظری پس از تجربه اجرای قانون

طرفداران قانون میهن پرستی بر این عقیده اند که ماهیت این قانون، منجر به ایجاد انسجام، وحدت و ارتباط روان و مؤثر، میان نهادها و سازمانهای مجری قانون، برای تحقیق و تفحص در مورد فعالیتهای تروریستی گشته است. در نتیجه، شیوه ها و ابزارهای تحقیق، بازرسی و جمع آوری اطلاعات مؤثرتر و به دور از پیچیدگیهای زائد، در این زمینه به وجود آمده و به کار گرفته می شود. به نظر آنان، از دیگر نکات مثبت این قانون، ایجاد منابع مالی بیشتر برای کمک به قربانیان حملات تروریستی و خانواده های آنان، با استفاده از منابعی مانند تخصیص عواید حاصل از مهاجرت، به این امر است که منجر به بازسازی زیرساختها و کسب و کار آسیب دیدگان این حوزه می گردد. علاوه براین، طرفداران این قانون، بر این عقیده اند که تشریفات زائد و دست و پا گیر اداری مانع اعمال دقیق و به موقع مقررات آن و انتقال اطلاعات لازم برای مبارزه مؤثر با تروریسم شده است. همچنین، موافقان قانون میهن پرستی، آن را دارای قابلیتها و مؤلفه های لازم برای جلوگیری از شکل گیری و به نتیجه رسیدن حمله ای دیگر می دانند (Fritscher, 2007, p.163).

در مقابل نقطه نظرات موافقان، این قانون، هدف نقدهای منفی بسیار سنگینی از جانب حقوق دانان، فعالان اجتماعی، مذهبی و حقوق بشر قرار گرفته است. یکی از مهم ترین این انتقادات، این است که قانون میهن پرستی، در کنار امکان نظارت و تجسس در مورد افراد مشکوک به ارتباط با تروریسم، امکان زیر نظر گرفتن عادات شخصی، زندگی روزمره و مسائل خصوصی افراد بی گناه، اعم از شهروند و مهاجر را فراهم می آورد. اجرای بازرسیهای بدون مجوز از اشخاص و اماکن؛ توقیف افراد بی شمار، بدون مشخص بودن اتهام آنها و برخورداری از حق مشاوره و محاکمه عادلانه؛ و در بازداشت نگاه داشتن افرادی که به دلایل ناشناخته و بدون تشریفات قانونی سنتی دستگیر شده اند، برای مدت نامعلوم، از جمله بدیهی ترین عوارض جبران ناپذیر اجرای مفاد این قانون است. به عبارت دیگر با تصویب این قانون دامنه اختیارات مجریان بطور بسیار زیادگسترش یافته و عملاً

امکان بهانه قرار دادن اهداف قانون برای نقض حقوق افراد و در نتیجه سوء استفاده را ممکن ساخته است.

یکی از بحث انگیزترین نقاط ضعف قانون میهن پرستی، دسترسی دولت و مجریان قانون به پایگاههای داده و امکان بررسی و کاوش در اطلاعات شخصی و سوابق خصوصی است که بر اساس تعاریف، عناوین و اصطلاحات بسیار وسیع این قانون، در زمره سوابق شغلی، مالی، تجاری، حرفه ای و... محسوب و در نتیجه قابل بررسی و تفحص به شمار می آیند.^۱ ایجاد ترس و نگرانی عمومی در میان مردم عادی، از اینکه جستجو و بازخوانی اطلاعات محرمانه و سوابق شخصی، مکالمات تلفنی و مکاتبات کاغذی و الکترونیکی آنان منجر به برچسب خوردن، به عنوان تروریست و بازداشت در گوانتانامو گردد، بیش از احساس امنیت حاصل از اجرای این قانون می باشد (Ibid). به عبارت دیگر، مخالفان این قانون، بر این عقیده اند که اجرای آن، بیش از مبارزه مؤثر با تروریسم و برقراری امنیت، منجر به جمع آوری اقیانوسی از اطلاعات شخصی و محرمانه گشته که هیچ کنترلی بر نحوه کاوش و کاربری آنها وجود نداشته و تبدیل به تهدیدی دائمی بر علیه حقوق و آزادیهای مدنی شهروندانی گشته که کوچک ترین ارتباطی با تروریسم ندارند.

نتیجه گیری

در روزهای نخست پس از فاجعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، به نظر می رسید که تنها تغییرات وسیع و فوری، در سیاستهای نظارتی و امنیتی و نحوه اجرای آنها، می تواند در موفقیت جنگ بر علیه تروریسم، مؤثر واقع شود. به همین دلیل، قانون میهن پرستی آمریکا، بدون کمترین مباحثات پارلمانی و مخالفت افکار عمومی، ظرف شش هفته پس از حملات تروریستی، به تصویب رسید.

۱- ماده سوابق کتابخانه (Library Record Provision)، در صفحه ۱۶ نوشتار حاضر، مورد بررسی قرار گرفته است.

این سند، که بیش از ۳۴۰ صفحه می باشد و حدوداً پانزده قانون این کشور را تحت تأثیر و دستخوش تغییر قرار داده، در حالی به تصویب رسید که اکثریت اعضای کنگره، بدون مطالعه دقیق سند مذکور، به آن رأی مثبت دادند (Ambrason and Godoy, op. cit.).

با توجه به بی سابقه بودن واقعه یازدهم سپتامبر و ابعاد آن در مقایسه با مخاطرات دیگر در تاریخ آمریکا، نمایندگان مجلس و رهبران سیاسی آن کشور بکارگیری راهکارهای قانون مذکور که موجب محدود نمودن برخی حقوق و آزادیهای اساسی و مدنی و عدول از برخی اصول حقوقی گردید را با هدف برقراری و حفظ امنیت توجیه نمودند. ولی این امر صرفاً اقدامی یکسویه و به قیمت آسیب رسیدن به حقوق و آزادیهای فردی بود. در سالهای پس از آن، به تدریج و به همراه اجرای مقررات قانون میهن پرستی، سؤالات مختلف که در آغاز راه نیز در مورد ایجاد فرصتهای مداخله بیش از حد دولت، در ابعاد گوناگون زندگی خصوصی و آزادیهای مدنی افراد مطرح بود، بطور جدی تر طرح شد. همین مسأله، باعث ارائه نقدهای مثبت و منفی بسیاری در مورد نقاط ضعف و قوت این قانون گردید که بحثهای نظری و آکادمیک زیادی را بدنبال داشته است.

در یک جمع بندی کلی، فعالیتهای نظارتی پیشرفته، داده کاوی و سایر رویکردهای مورد استفاده در این قانون، در کنار فقدان مسئولیت پذیری در قبال نقض جلوه های گوناگون حقوق و آزادیهای اساسی و مدنی، برخلاف اصول کلی و الگوهای پذیرفته شده در نظامهای اخلاقی و حقوقی مختلف جهان، از جمله مبانی اصلی آزادی در ایالات متحده و مورد حمایت قانون اساسی آن کشور می باشد. به نحوی که جامعه آمریکا را بیش از هر چیز دیگر، نیازمند در نظر گرفتن شرط افول، برای برخی مقررات آن، بجای اصرار بر دائمی نمودن آنها نموده است. علاوه براین، محدود نمودن دامنه تفسیر و ادبیات حقوقی، تعاریف و مفاهیم بسیار عام قانون میهن پرستی، تحقیق و پژوهش مستمر برای اصلاحات، تغییرات اساسی و روزآمد نمودن آن و کاستن از عوارض جانبی این قانون، برای حقوق و آزادیهای مدنی مردم، از دیگر فوریههای مرتبط با بکارگیری قانون میهن پرستی آمریکا

می باشد. به هر حال تصویب این قانون، بسیاری از اصول حقوقی که زیر بنایی برای قوانین مختلف می باشد را نقض و یا مورد تردید قرار داد. و از سوئی دیگر مبانی جدیدی از جمله امنیت گرائی و تقدم آن بر برخی حقوق فردی را تبیین نمود که خود موجب پدیداری مباحث نظری بسیار مهم و تأثیر گذار بویژه در محافل علمی گردیده است. طبیعتاً اینگونه تحولات نظری و نیز سیاست جنائی مبتنی بر امنیت گرائی بر برخی نظامهای حقوقی و سیاسی دیگر تأثیر خواهد گذاشت.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۳)، **امنیت و شریعت**، فصل نامه کتاب نقد، شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان ۷۹.
- ۲- بوزان، باری، **مردم دولتها و هراس**، پژوهشکده مطالعات کاربردی.
- ۳- کوشا، جعفر، (۱۳۸۱)، **جرائم علیه عدالت قضائی**، نشر میزان.
- ۴- گور، ال، (۱۳۸۳)، **آزادی و امنیت**، مترجم: لطف الله میثمی، نشریه چشم انداز ایران.
- ۵- مفهوم بحث انگیز امنیت، (۱۳۸۳)، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- محسنی، فرید، (۱۳۸۹)، **حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)**، چاپ اول، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۴)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران، نشر میزان.

ب - انگلیسی

- 1- U.S. Department of Justice, Attorney General's Guidelines on Federal Bureau of Investigation: Tinder Cover Operations 30 May 2003, Retrieved in: 6/9/2012, in: [http:// www.usdoj.gov/](http://www.usdoj.gov/)

- 2- Ambrason, Larry, Godoy, Maria, and The USA PATRIOT Act Key Controversies, 2006, retrieved in: 5/11/2012, in: <http://www.npr.org/>
- 3- Best, Steven, The Son of the PATRIOT ACT and the Revenge on Democracy, 2005, retrieved in: 5/13/2012, in: <http://connection.Ebscohost.com/>
- 4-Boyne, Shawn et al., Law vs. War: Competing Approaches to Fighting Terrorism, 2005, retrieved in: 7/1/2012, in: <http://www.Carlisle.army.mil/>
- 5- Civil Liberties and Civil Rights, Retrieved in: 7/1/2012, in: <http://www.ushistory.org/>
- 6- DeCew, Judith, Privacy, 2002, Stanford Encyclopedia of Philosophy, Retrieved in: 5/22/2012 in: <http://plato.stanford.edu/>
- 7- Doyle, Charles, "The USA Patriot Act: A Legal Analysis", CRS Report for Congress, 15 Apr. 2002, Retrieved in: 7/3/2012, in: <http://www.fas.org/>
- 8- Doyle, Charles, USA PATRIOT ACT Sunset Provisions: That Expire on December 31, 2005, Retrieved in: 7/3/2012, in: <http://www.fas.org/>
- 9- Fritscher, Lisa, USA Patriot Act: Pros and Cons, 2007, Retrieved in: 5/11/2012, in: <http://www.Lifescrypt.com/>
- 10- History of Patriot Act, 2006, Retrieved in: 7/3/2012, in: <http://graypant.herssf.igc.orgg/>
- 11- How the Anti-Terrorism Bill Puts CIA Back in the Business of Spying on Americans, Retrieved in: 5/4/2012, in: <http://www.aclu.org/>
- 12- Howard, John, Understanding Criminal Records, Society of Alberta 2000, Retrieved in: 6/9/2012, in: <http://www.Johnhoward.ab.ca/>
- 13-Kranish, Nancy, The Impact of the USA Patriot Act: An Update, New York University School of Law, 2009, retrieved in: 5/4/2012, in: <http://www.fepproject.org/>

- 14- Kashan, Sunya, The UAS Patriot Act: Impact on Freedoms and Civil Liberties, 2009, ESSAI, Vol. 7, Article 28, Retrieved in: 7/7/2012, in: [http:// dc. mcod.edu/](http://dc.mcod.edu/)
- 15- Masters, Jonathan, Extending Patriot Act Powers, 2011, Retrieved in: 7/3/2012, in: [http:// www.cfr.org/](http://www.cfr.org/)
- 16- Obama Signs Last-Minute Patriot Act Extension, May 27, 2011, Fox News, Retrieved in: 5/13/2012, in: <http://www.foxnews.com/>
- 17- Patriot Act Could Lead to Privacy Issues, Mutual Fund Market News, September 1, 2003, Retrieved in: 6/5/2012, in: <http://www.acluutah.org/>
- 18- Panetta, Toni, The USA Patriot Act, 2004, Retrieved in: 6/9/2012, in: <http://frwebgate.acess.gpo.gov/>
- 19- Raghvan, Tara M., In Fear of Cyber Terrorism: An Analysis of the Congressional Response, University of Illinois, Journal of Law, Technology and Policy, Vol. 2003, No. 1, Retrieved in: 7/3/2012, in: <http://www.jltp.uiuc.edu/>
- 20- Rosenblum, Marc R., and US Immigration Policy Since 9/11: Understanding the Stalemate over Comprehensive Immigration Reform, 2011, Retrieved in: 7/1/2012, in: [http:// www. Migrationpolicy.org/](http://www.Migrationpolicy.org/)
- 21- Safe Act Co-Sponsors Say PATRIOT ACT Conference Report Unacceptable, Washington Times, November 7, 2005 Retrieved in: 7/22/2012, in: <http://www.gpo.gov/>
- 22- Standler, Ronald, B., Brief History of Patriot Act, 2008, Retrieved in: 5/5/2012, in: [http:// www. Rbs0. com/](http://www.Rbs0.com/)
- 23- Swires, Peter, The System of Foreign Intelligence Surveillance Law, George Washington Law Review, August 2004, No. 72, Retrieved in: 6/9/2012, in: <http://ssrn.com/>
- 24- The Titles of USA PATRIOT ACT, Retrieved in: 7/3/2012, in: [http:// en. Wikipedia. Org / wiki / Patriot _ Act Titles](http://en.Wikipedia.Org/wiki/Patriot_ActTitles)
- 25- Patrick, Leahy, US PATRIOT ACT section by Section Analysis, Retrieved in: in: 5/13/2012, <http://leahy.senate.gov/>

- 26-Tranvik, Tommy, Privacy and Security; An Adverse Relationship, 2008, Retrieved in: www.Forksningsradetv.no/
- 27- Turban, Efram, et al., Electronic commerce: A Managerial Perspective, Prentice Hall 2004.
- 28- Yeh, Brian T., USA Patriot Act Additional Reauthorizing Amendment Act of 2006, CRS Report for Congress, Retrieved in: 5/13/2012, in: <http://www.fas.org/>
- 29-Your Right to Federal Records, Questions and Answers on the Freedom of Information Act and Privacy Act, May 2006, Retrieved in: 6/9/2012, in: <http://pueblo.gsa.gov/>